

عوامل اجتماعی مرتبط با آموزش شهروندی (مورد مطالعه: دبیران آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز)

بهمن میرگلوی بیات^۱، محمود علمی^۲

چکیده

آموزش شهروندی با هدف بالا بردن توانایی‌ها و مهارت‌های شهروندان صورت می‌گیرد. در این پژوهش به عوامل اجتماعی مرتبط با آموزش شهروندی دبیران آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز در سال ۱۳۹۹ پرداخته شده است. جامعه آماری، دبیران زن و مرد شاغل در آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز، نمونه آماری ۲۸۶ نفر از دبیران زن و مرد ناحیه سه آموزش و پرورش تبریز و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود. یافته‌ها نشان داد میزان آموزش شهروندی دبیران زن و مرد تفاوت معناداری با هم ندارد (Sig: ۰/۹۳۷). اما بین آموزش شهروندی و اعتماد اجتماعی و دینداری رابطه معناداری وجود داشت (Sig: ۰/۰۳۷). آموزش شهروندی بر اساس رشته تحصیلی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی تفاوت معناداری داشت (Sig: ۰/۰۰۱). دبیران دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا، نسبت به دبیران دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسط و پایین، نمره بیشتری در آموزش شهروندی کسب کرده بودند. در بین رشته‌های تحصیلی، دبیران رشته روانشناسی دارای بیشترین نمره آموزش شهروندی و دبیران رشته معارف اسلامی دارای کمترین نمره بودند (Sig: ۰/۰۰۰). اطلاع از دیدگاه دبیران نسبت به آموزش شهروندی، در برنامه‌ریزی آموزش بسیار مؤثر است.

واژه‌های کلیدی:

آموزش شهروندی، اعتماد اجتماعی، دینداری، پایگاه اجتماعی اقتصادی

۱- کارشناس ارشد گروه جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

drmahmoodelmi@gmail.com

۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسؤول)

elmmim@iaut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲۷

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۴/۲۹

مقدمه

آموزش شهروندی از قرن نوزدهم در جوامع صنعتی و شهرنشین از اهمیت فراوانی نسبت به دوره‌های تاریخی برخوردار گردیده است؛ این امر منجر به پیدایش و ضرورت نظام مهارت‌های شهروندی و اهمیت آن در حوزه آموزش و پرورش و آموزش عالی گردیده است و باعث شده نهادهای آموزشی جوامع صنعتی از طریق برنامه‌ریزی‌های رسمی و غیر رسمی به استحکام مهارت‌های شهروندی بپردازند و استحکام دموکراسی، مشارکت ملی و محلی، هویت اجتماعی و مدنی شهروندان را تکامل بخشند (شربتیان ۱۳۸۸: ۲۵). شهروند، فردی است که در ساختار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه حضور دارد و در تصمیم‌گیری‌ها و و شکل‌دهی آن به صورت مستقیم و غیر مستقیم مؤثر است. آگاهی از دیدگاه دبیران و عوامل اجتماعی مرتبط با آن، افراد متعهد و مسئول و آگاه را پرورش خواهد داد که خواهند توانست نظام شهروندی را، بنا نهند (غیاثوند، ۱۳۹۴: ۲۲۰). برخی از صاحب‌نظران نیز ضرورت آموزش شهروندی را پرورش قابلیت‌هایی در فرد که با افراد دیگر جامعه، همزیستی اجتماعی سالمی پیدا کند می‌دانند (داویس، ۲۰۰۹: ۲۷). محتوای آموزش‌های شهروندی، قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی را در افراد ایجاد می‌کند که بتوانند، زمینه توسعه همه‌جانبه را از سوی فراهم و حافظ موارد اجتماعی ارزشمند نسل پیشین در جامعه باشند و همچنین موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود (شاه طالبی، ۱۳۹۲: ۷۳). تبریز که یکی از شهرهای بزرگ ایران و مرکز استان آذربایجان شرقی است؛ بزرگ‌ترین شهر منطقه شمال غرب کشور و قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه شناخته می‌شود. بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، شهر تبریز با جمعیتی بالغ بر ۱۵۵۸۶۹۳ نفر، چهارمین شهر پر جمعیت ایران پس از شهرهای تهران، مشهد و اصفهان محسوب می‌گردد. آموزش شهروندی، یکی از مسایل مهم شهرهای بزرگ و شهروندان است. آموزش شهروندی از پدیده‌های اجتماعی مهمی است که نقشی حیاتی در جامعه دارد و اطلاع از دیدگاه دبیران نسبت به آموزش شهروندی و عوامل فردی و اجتماعی

مرتبط با آن می‌تواند متخصصان و برنامه‌ریزان آموزشی را در رسیدن به اهداف آموزش شهروندی یاری کند. محقق در این پژوهش به بررسی آموزش شهروندی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در بین دبیران آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز پرداخته است.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین آموزش شهروندی و میزان اعتماد اجتماعی دبیران آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز رابطه وجود دارد.
۲. بین آموزش شهروندی و میزان دینداری دبیران آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز رابطه وجود دارد.
۳. آموزش شهروندی بر حسب جنسیت دبیران آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز متفاوت است.
۴. آموزش شهروندی بر حسب پایگاه اقتصادی، اجتماعی دبیران آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز متفاوت است.
۵. آموزش شهروندی بر حسب رشته تحصیلی دبیران آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز متفاوت است.

روش تحقیق

روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا پیمایشی است. و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. برای سنجش اعتماد اجتماعی از پرسشنامه استاندارد صفاری نیا و شریف (۱۳۸۹) استفاده شده است؛ این پرسشنامه دارای ۴ مؤلفه رفتار مبتنی بر اعتماد کردن، تمایلات همکاری‌جویانه، صراحت، صداقت و اطمینان و شامل ۲۵ گویه است. هر پنج معرف به ترتیب دارای ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۶۶، ۰/۹۶۸، ۰/۹۶۴، ۰/۹۶۱ و ۰/۹۶۱) هستند. و ضریب آلفای کل ۰/۹۵۴ بوده است. برای سنجش دینداری از پرسشنامه دینداری گلاک و استاک استفاده گردید. میزان اعتبار این پرسشنامه

در مطالعات مختلف بر روی نمونه‌های متفاوت تعیین گردیده که حاکی از اعتبار بالای آن در ابعاد مختلف است. در آخرین اجرای این آزمون بر روی دانشجویان، آلفای کلی پرسشنامه ۰/۸۳ بوده است. مقدار آلفا برای متغیرهای بعد اعتقادی ۰/۸۱، بعد عاطفی ۰/۷۵، و بعد پیامدی ۰/۷۲ است. (سراج زاده، ۱۳۷۴). برای سنجش آموزش شهروندی، با توجه به شاخص‌های حقوق انسانی، رشد همه‌جانبه اخلاق و ارزش‌ها، صلح و مسالمت‌جویی، برابری اجتماعی و حرمت نهادن به تفاوت‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. ضریب آلفای کل این متغیر برابر با ۰/۸۵۴ بود.

تعریف متغیرها

آموزش شهروندی: رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. آموزش شهروندی در برگیرنده آموزش دانش‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌هایی است که با ماهیت و شیوه‌ای اداری در یک نظام مردم‌سالاری مشارکتی همخوانی و ارتباط دارد (ملکی، ۱۳۷۲: ۷). آموزش شهروندی، نحوه ایجاد انگیزش در میان افراد، برای پذیرش نقش شهروندی و توجه به منافع جمعی است.

پایگاه اجتماعی- اقتصادی: پایگاهی است که فرد در میان گروه دارد یا به مرتبه اجتماعی- اقتصادی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر گفته می‌شود؛ به بیان دیگر، موقعیتی است که فرد یا خانواده با ارجاع به استانداردهای میانگین رایج درباره ویژگی‌های فرهنگی، درآمد مؤثر، دارایی‌های مادی و مشارکت در فعالیت‌های گروهی - اجتماعی به دست می‌آورد (کوئن، ۱۳۷۳: ۲۴۰).

دینداری: بنابه نظر گلاگ و استارک، همه ادیان با وجود آنکه در جزئیات با هم متفاوتند دارای حوزه‌های کلی‌اند که تعلق دینی در آنها جلوه‌گر می‌شود. گلاگ برای سنجش دین‌گرایی، پنج بعد مختلف را مشخص کرد که عبارتند از بعد تجربی، آیین‌گرایانه، بعد ایدئولوژیک، بعد عقلانی و بعد تبعی (گلاگ، ۱۹۶۲: ۶۸).

اعتماد اجتماعی: آنتونی گیدنز اعتماد را به عنوان اطمینان یا اتکا به نوعی کیفیت، یا صفت و یا اطمینان به حقیقت عبارت یا گفته‌ای توصیف می‌کند. به اعتقاد وی اعتماد نوع خاصی از اطمینان است و چیزی یکسره متفاوت با آن نیست" (گیدنز، ۱۳۸۴: ۳۷).

تعریف عملیاتی متغیرها

پایگاه اجتماعی و اقتصادی: در این تحقیق از معرف‌های تحصیلات، منزلت شغلی و میزان درآمد استفاده گردید و در یک مقیاس ترتیبی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی به سه طبقه پایین، متوسط و بالا تقسیم شد. (کوئن، ۱۳۸۱: ۷۲).

دینداری: در این پژوهش بر اساس ابعاد دینداری گلاگ و استارک، چهار عامل برای سنجش تعلق دینی در نظر گرفته شده است که عبارتند از: آگاهی دینی، گرایش دینی، مناسک دینی و تجربه دینی (گلاگ، ۱۹۶۲: ۶۹).

اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی براساس مؤلفه‌هایی چون مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، امیدواری اجتماعی و تعهد اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است (کلمن، ۱۳۷۷: ۹۴).

آموزش شهروندی: تقویت شیوه‌های همکاری و کار گروهی، تصمیم‌گیری به شیوه شورایی، توانایی بخشیدن به افراد برای استدلال و نقد کردن، تقویت مهارت‌های مؤثر ارتباطی، مدیریت مشترک فعالیت‌ها و کارهای محلی، درگیر شدن در کارها و فعالیت‌های محلی، تقویت گفتگو و مهارت‌های مشارکتی. مفهوم شهروندی به عنوان نهاد و مبنایی برای ایجاد یک جامعه مدنی، مفهوم مهمی است که باید آن را تابع شرایط سیاسی اجتماعی و نیز بستر و سنت تاریخی دانست که در آن رشد می‌یابد. آموزش‌هایی از این قبیل زمانی نضج می‌گیرد که گرایش به تعهدات مدنی، اخلاقی و سیاسی شهروندان مورد تأکید قرار گیرد و به عنوان یک اصل نهادینه شود. این متغیر با توجه به چگونگی آموزش در شاخص‌های حقوق انسانی، رشد همه جانبه اخلاق و ارزش‌ها، صلح و مسالمت‌جویی، برابری اجتماعی و حرمت نهادن به تفاوت‌ها سنجیده شده است. (لطف آبادی، ۱۳۸۵).

پیشینه تحقیق:

در مورد مسأله مورد تحقیق، بررسی‌ها نشان داد که متأسفانه تحقیقی در این زمینه و بویژه با این جامعه آماری در کشور انجام نگرفته است. جستجو در منابع اطلاعاتی، وجود برخی تحقیقات را درباره مسأله تحقیق نشان داد. سیف نراقی و همکاران در پژوهشی با عنوان « بررسی مقایسه‌ای نارسایی‌های آموزش و تربیت شهروندی در برنامه درسی دوره راهنمایی تحصیلی از دیدگاه کارشناسان و معلمان شهر قزوین » به این نتیجه رسیده‌اند که بین دیدگاه معلمان و کارشناسان، به لحاظ نارسایی ابعاد تربیت شهروندی (اجتماعی، فردی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی) در برنامه درسی دوره راهنمایی تحصیلی، تفاوت معنادار آماری وجود دارد. اگرچه بر اساس نتایج به دست آمده، هر دو گروه آزمودنی بر این باور بودند که برنامه درسی فعلی دوره راهنمایی تحصیلی در مورد آموزش ابعاد تربیت شهروندی دارای کمبودها و نارسایی‌هایی است؛ از این رو آسیب پذیر است، اما از دیدگاه کارشناسان، این نارسایی بسیار بیشتر بوده است. (سیف نراقی و همکاران، ۱۳۸۸). رزاقی و همکاران در پژوهشی به « نقش اثربخشی مدرسه در توسعه شایستگی‌های شهروندی دانش‌آموزان از دیدگاه معلمان » پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد که بین اثربخشی مدرسه و توسعه شایستگی‌های شهروندی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین تمام شش مؤلفه؛ (۱) سنجش یادگیری، (۲) رهبری مدرسه و کلاس، (۳) مشارکت دانش‌آموزان، (۴) برنامه درسی، تدریس و یادگیری، (۵) برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی و (۶) ارتباط خانه، مدرسه و جامعه با توسعه شایستگی‌های شهروندی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری دارند. نتایج تحلیل رگرسیون بیانگر آن بود که از بین مؤلفه‌های اثربخشی مدرسه؛ (۱) ارتباط مدرسه، خانه و جامعه، (۲) مشارکت دانش‌آموزان، (۳) برنامه درسی، تدریس و یادگیری و (۴) برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی، به ترتیب بیشترین توانایی را در پیش‌بینی توسعه شایستگی‌های شهروندی دانش‌آموزان دارند (۰/۴۵ =). مدارس نقش مهمی در توسعه شایستگی‌های شهروندی دانش‌آموزان دارند (رزاقی و همکاران، ۱۳۹۷). ذکایی در مقاله‌ای اهداف آموزش شهروندی را به سه

وجه آموزش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی، تقویت مشارکت اجتماعی و رشد سواد آگاهی سیاسی استوار دانسته است. وی همچنین با تأکید بر مدارس به عنوان الگو و مدلی برای تمرین جامعه مدنی و مهم‌ترین نهاد در انتقال ارزش‌های مدنی، علاوه بر افزایش آگاهی شناختی، ابعاد عاطفی و بخصوص رفتاری عمل شهروندی مانند آموزش مدنی و اخلاقی، آموزش فرهنگ گفت و گو و نیز مهارت‌های ارتباطی و مشارکتی را از مهم‌ترین محورهای مدارس در آموزش دخالت دادن دانش‌آموزان در جامعه مدنی و ایفای مسئولیت شهروندی دانسته است. (ذکایی، ۱۳۸۱) شهیدی، سه نوع حقوق اصلی یعنی حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اجتماعی، اقتصادی مطرح کرده که امروزه به منزله امری جهانی تلقی شده که قابل تفکیک و از نظر اخلاقی سودمند و قابل بهره‌وری‌اند (شهیدی، ۱۳۸۵). هاشمی در پژوهشی به این نتیجه رسیده که میزان استفاده از مفاهیم تربیت شهروندی در محتوای کتاب‌ها متفاوت است؛ در پایه سوم نسبت به سایر پایه‌ها بیشتر از مفاهیم تربیت شهروندی استفاده شده است. به طور کلی بر اساس دیدگاه دبیران کتب تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی، از نظر میزان آموزش مفاهیم تربیت شهروندی در قالب مؤلفه‌های شهروندی؛ شامل حقوق، تکالیف، عدالت و برابری، مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی و سواد سیاسی در سطح متوسط و کمتر از حد انتظار بوده است (هاشمی، ۱۳۸۹). حاضری در پژوهشی نشان می‌دهد که در ایران آموزش و پرورش، اهتمام جدی و کارآمدی در زمینه آموزش شهروندی ندارد؛ آموزه‌های شهروندی منعکس شده در برنامه درسی آموزش و پرورش ایران عمدتاً تکلیف‌مدارانه است و آموزه‌های مرتبط با حقوق شهروندی و شهروندی‌های جنسیتی، چندفرهنگی و زیست‌محیطی به شدت کم‌مایه‌اند. آنچه نگارندگان از خلال این تحقیق درک کرده‌اند این است که آموزه‌های موجود در کتب درسی بیشتر از آنکه به آموزش، جامعه‌پذیری و درگیر کردن ذهن دانش‌آموز با مسائل مختلف و مورد نیاز بپردازند، بیشتر بر تاریخچه‌ها و تعاریف و تقسیم‌بندی‌ها تأکید کرده‌اند و مطالب را در قالب‌های تکراری و کلیشه‌ای به دانش‌آموز انتقال می‌دهند. این امر می‌تواند باعث انباشته شدن اطلاعات و عدم پردازش آنها توسط

دانش‌آموزان شود. هدف اصلی مورد نظر در میان سیلی از تاریخچه‌ها و تقسیم‌بندی‌ها گم شود (حاضری، ۱۳۹۳). حسنی پور فلا بهدانی در پژوهشی نشان داده است که بین آموزش‌های شهروندی؛ قانونگرایی و احترام به حقوق شهروندی و ارتقاء امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد، همچنین بین آموزش‌های رسمی و غیررسمی و رعایت احترام به قوانین و مقررات شهروندی و ارتقاء امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد (حسنی پور فلا بهدانی، ۱۳۹۴). پژوهشی با عنوان توسعه ارزش‌های شهروندی توسط می‌هوئی لیو^۱ انجام گرفته است. نتایج نشان می‌دهد به دلیل سیاست برنامه‌دستی ملی، اهداف و رویکردهای مربوط به تربیت شهروندی بسیار خاص و تجویزی‌اند. علاوه بر این ارتباط قوی‌ای بین سیاست‌های ملی و قوانین و پیش‌بینی‌های برنامه‌دستی مدرسه وجود دارد و به نظر می‌رسد که تجارب آموزشی با هدف ارتقاء استقلال اخلاقی و با فعالیت‌های مدرسه پایه‌ریزی شده‌اند (می‌هوئی لیو، ۲۰۰۱). در تحقیقی دیگر با عنوان اسلام، دموکراسی و تربیت شهروندی؛ برنامه‌دستی مطالعات اجتماعی در کشور پاکستان بررسی شده است. هدف عمده این طرح استفاده از برنامه‌دستی برای ایجاد شهروندی صبور متعادل و روشنفکر است. نتایج حاکی از آن است که مدل تربیت شهروندی کشور پاکستان به طور عمده بر تربیت مذهبی مبتنی است. در این مدل، هدف عمده، چگونگی پرورش شهروندانی است که از طریق آموزه‌های قرآنی به دولت و محل زندگی خود وفادار بمانند (فتیحی ۱۳۸۵: ۱۰۶).

مبانی و چارچوب نظری:

آموزش شهروندی عبارت از رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. این آموزش‌ها شامل حقوق انسانی، رشد مستمر و همه‌جانبه، اخلاق و ارزشها، صلح و مسالمت‌جویی، برابری اجتماعی و حرمت نهادن به

تفاوت‌هاست. مارشال در مورد شهروندی، به سه نوع حقوق شهروندی اشاره کرده که این حقوق طی سه قرن شکل گرفته است:

الف) حقوق مدنی: حقی است که در جامعه به وجود آمده است. حقوق مدنی عبارت از حقی است که امکان تملک دارایی‌ها، التزام به قراردادها، آزادی‌های حزبی، و آزادی فکر و اندیشه را فراهم می‌کند. ایجاد توقعات برابر و قضاوت بی‌طرفانه در نظام حقوقی نسبت به همه شهروندان از جمله حقوق شهروندی مدنی است. از نظر مارشال جایی که حقوق مدنی وجود ندارد، امکان آزادی فردی و سرمایه‌گذاری اقتصادی نیز وجود ندارد.

ب) حقوق سیاسی: عبارت است از حقوقی که امکان مشارکت مردم را در تصمیمات عمومی کشور با تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات فراهم می‌کند. شهروندی سیاسی همچنین این امکان را فراهم می‌کند که هریک از شهروندان امکان دسترسی مستقیم به موقعیت‌های سیاسی در مقام رهبری احزاب، دولت و یا سایر حلقه‌های قدرت را به دست آورند.

ج) حقوق اجتماعی: عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی حمایتی از فرد و خانواده‌های آسیب‌پذیر را برای ایجاد تعادل در زندگی رفاهی آنها فراهم می‌آورد. به طور معمول حقوق اجتماعی شامل کمک‌های مالی و رفاهی به افراد کهنسال، معلول و افراد و خانواده‌های بیکار است. حقوق اجتماعی همچنین شامل فراهم آوردن شرایط مساوی بهره‌مندی امکانات آموزشی، مسکن و سلامتی، برای همه اعضای جامعه است (مهدوی و عاشوری، ۱۳۹۳). از آنجا که رسانه‌های عمومی (تلویزیون، رادیو، اینترنت، روزنامه‌ها و مجلات) نقش مهمی در شکل‌گیری و تغییر نگرش و اندیشه و رفتار شهروندان دارند و ممکن است حقوق انسانی آنان را مخدوش کنند و از آنجا که این کار در همه‌جای جهان صورت می‌گیرد، آموزش و شناخت روش‌ها و عملکرد رسانه‌ها و چگونگی اطلاع‌رسانی درست و نادرست و قضاوت عینی در قبال رسانه‌ها ضرورت دارد. در مورد دانش و هنرها نیز، که در عصر کنونی تأثیر عظیمی بر بینش و نگرش و رفتار شهروندان، بویژه کودکان و نوجوانان و جوانان دارند لازم است آموزش‌های کافی به دانش‌آموزان داده شود. آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کنند تا شهروندانی مسئول،

مشارکت‌کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقمند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند. وقتی دانش‌آموزان به سن نوجوانی و جوانی می‌رسند مدرسه باید به آنان بیاموزد که چگونه یک زندگی مستقل برای خود ایجاد کنند و علاوه بر مهارت‌های ضروری، مشاوره و آموزش لازم در زمینه ادامه تحصیلات، پیدا کردن شغل، استقلال یافتن از خانواده، مدیریت امور مالی خود و آشنایی با قوانین و برقراری ارتباط با ادارات و مسئولان دولتی به آنان آموزش دهد. نوجوانان و جوانان نیازمند ترکیب پیچیده‌ای از شایستگی‌های فکری و رفتاری و مهارت‌های گوناگون نظری و عملی برای آغاز زندگی مستقل خویشند و مدرسه باید نقش خود در کمک به آنان را در این امور پیچیده ایفا کند تا بتوانند به زندگی اجتماعی وارد شوند و نقش مستقل خود را به عنوان یک شهروند مسئول ایفا کنند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵: ۴۶). آموزش شهروندی حائز اهمیت حیاتی در زندگی است زیرا افراد باید یاد بگیرند که به نحوی مؤثر در بهبود بخشیدن به امور گوناگون جامعه محلی، ملی یا جهانی مشارکت کنند. تربیت شهروندان فعال و مسئول، کمک بزرگی به پیشرفت فردی و اجتماعی و حفاظت از طبیعت و محیط زندگی است. این آموزش‌ها می‌تواند توسط خانواده، مدرسه، نهادهای همگانی و نهادهای اجتماعی صورت گیرد اما مسئولیت اصلی آن بر دوش آموزش و پرورش است که باید به گونه‌ای عملی و در جریان ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر و سایر افراد و گروه‌ها، از آنان شهروندانی فعال و مسئول بسازد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵: ۳۶). نظام آموزش شهروندی در هر کشور متأثر از مجموعه عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و فنی و اقتصادی است که هر یک از آنها خود در شکل دادن آموزش‌های شهروندی نقش حیاتی ایفا می‌کنند. آموزش شهروندی در برگرفته آموزش دانش‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌هایی است که با ماهیت و شیوه‌ای اداری یک نظام مردم‌سالاری مشارکتی همخوانی و ارتباط دارد (ملکی، ۱۳۷۲: ۷). هر جامعه در هر دوره زمانی، موافق مقتضیات خود از انسان‌هایی که عضو آنند مطالبات معینی دارد که از ذات زندگی اجتماعی سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین در پرتو مجموعه فعالیت‌های هدفمند و سنجیده، جامعه سعی دارد فرد مورد پسند خود را به عنوان شهروندان امروز و فردا به

مهارت‌هایی مجهز نماید که بتواند در عرصه زندگی فردی و اجتماعی، اقتصادی و فنی، نقش مؤثری ایفا کند. وی سپس به تحلیل و معرفی مجموعه فعالیت‌هایی که به تربیت شهروندان در دو نوع جامعه (جامعه فلاحی و جامعه صنعتی) معمول است، می‌پردازد و بر این باور است این دو نوع جامعه بنا بر مختصات عمومی خود، خواستار دو نوع انسان آرمانی‌اند و برای پروردن نوع مطلوب شهروندان خویش باید از نظام فلسفی، اخلاقی و اندیشه‌های تربیتی متفاوتی بهره‌گیرند (آریان پور، ۱۳۸۳: ۲۲۰). امروزه نظام آموزشی موجود جهان، دو وظیفه خطیر بر عهده دارد و برای انجام هر یک از این وظایف مهم، دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران جامعه باید اهتمام لازم را به کار ببرند: نخست آنکه برای آشنا ساختن نسل جوان با نتایج نسل‌های گذشته همت کنند تا از این طریق تجربیات نسل‌های توالی بر هم افزوده شود به تدریج به صورت سرمایه‌های تمدن عظیم و گرانقدر، در اختیار شهروندان جوان برای بهره‌گیری در کیفیت زندگی فردی و اجتماعی شان مؤثر افتد. دوم آنکه باید نظام‌های آموزشی، محصولات و فرآورده‌های خویش را که دانش‌آموختگان و شهروندان آینده جامعه ملی و جامعه جهانی‌اند به گونه‌ای پرورش دهند که در عصر ناشناخته برای آنها یعنی پس از اتمام تحصیلات دوره ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی خود که معمولاً سه دهه زمان می‌برد، به مهارت‌ها و دانش‌های تخصصی تجهیز شده باشند تا ضمن توانایی حل مسائل و مشکلات زمانه خود، بتوانند در آینده، مسائل جامعه محلی و ملی و جهانی را به چالش‌گیرند (مارتین کارنومی^۱، ۱۹۹۹، به نقل از افاضاده، ۱۳۸۵: ۵۰). آموزش شهروندی در برگرفته آموزش دانش‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌هایی است که با ماهیت و شیوه‌ای اداری یک نظام مردم‌سالار مشارکتی همخوانی و ارتباط دارد (ملکی، ۱۳۷۲: ۷). بر اساس نظریه ان سیرز و وان هبرت^۲ شهروندی ابعاد متفاوتی دارد: نخست بعد مدنی شهروندی، این بعد به شیوه زندگی شهروندان که معمولاً در راستای اهداف دموکراتیک جامعه است اشاره دارد و سپس ارزش‌های اساسی جامعه، حدود تصمیم‌گیری دولتی در رابطه با افراد شهروند،

1. Martin carnoy

2. Sears & hebert

حقوق و تعاملات گروه‌های ویژه و ذی‌نفع را مشخص می‌کند. بعد مدنی شهروندی؛ عواملی نظیر آزادی در گفتار، برابری در مقابل قانون، آزادی در تعاملات و ارتباطات در معنای عام و همچنین جریان آزادانه‌ی دسترسی به اطلاعات را شامل می‌شود. بعد دیگر، بعد سیاسی شهروندی است؛ بعد سیاسی شهروندی به طور عمده شامل حق رأی و مشارکت سیاسی شهروندان است. انتخاب آزاد در ارتباط با این بعد شهروندی از اهمیت بسزایی برخوردار است و به حقوق و وظایف سیاسی اشاره دارد. سومین بعد، بعد اجتماعی و اقتصادی شهروندی است؛ این بعد به ارتباط بین افراد در یک موقعیت اجتماعی و همچنین مشارکت در یک فضای باز سیاسی اشاره دارد. تعریف حقوق اجتماعی اقتصادی شامل تبیین حقوق افراد در ارتباط با رفاه اقتصادی است. شهروندی اجتماعی به روابط بین افراد یک جامعه، همچنین تقاضاها و نیازهای کلی آن اشاره دارد. شهروند اقتصادی نیز ارتباط بین یک فرد با بازار کار و مصرف دلالت دارد و به حق هر فرد در برخورداری از امکان اشتغال و امرار معاش می‌پردازد. چهارم بعد فرهنگی شهروندی به شیوه‌ای از فرایند گسترش فرهنگ اشاره دارد که با موضوعاتی نظیر توانایی پذیرش فرهنگ‌های مختلف، مهاجرت جهانی، افزایش تحرک و تغییر پذیری همراه است. شهروندی فرهنگی به آگاهی از میراث عمومی فرهنگ اشاره دارد. این مؤلفه شامل جستجو برای شناخت حقوق جمعی و گروه‌های اقلیتی است. بعد فرهنگی شهروندی به تحلیل ویژگی‌هایی در کشور بر اساس حقوق بشر پرداخته و پس از شناخت بعد انسان شناخت مربوط به هر فرد ارزش‌ها و قوانین حاکم بر جامعه را مورد تأیید قرار می‌دهد (سیرز و هبرت، ۲۰۰۵؛ به نقل از واحد ۱۳۸۶). نظام آموزش و پرورش در قبال تربیت شهروندی دارای وظیفه و مسئولیت است و می‌توان به پنج دیدگاه در مورد تربیت شهروندی اشاره کرد: دسته اول نگرش افرادی چون فریمن بوتز^۱ است که برای آموزش اصول دموکراسی در تربیت شهروندی تأکید می‌کنند و معتقدند که آموزش حقوق و ارزش‌های دموکراتیک برای تمام شاگردان ضروری است، از آنجا که تنها استاندارد ملی قادر به مقابله با آثار مخرب تنش‌های معاصر به سوی جدایی‌نژادی و

فرهنگی است، در این زمینه باید به شاگردان آموزش مسئولیت‌ها و وظایف عرضه گردد. دسته دوم به روش‌های آموزش تربیت شهروندی نظیر بحث‌های کلاس، نظرسنجی از شاگردان در بخش‌های گوناگون برنامه درسی، روش‌های حل مسائل گروهی، فرضیه‌سازی اندیشمندانه و تفکر انتقادی «فریدریک نومان»^۱ در این دسته توجه دارد. دسته سوم افرادی‌اند که به آموزش حقایق در زمینه تاریخ و حکومت معتقدند؛ «سرافین»^۲ معتقد است که مسئولیت اصلی تربیت شهروندی آموزش حقایق و واقعیات مرتبط است. دسته چهارم نظریه پردازانی چون «جرج مارتین»^۳ به توسعه، حمایت بیشتر فرهنگی و تربیت شهروندی فراگیرتر توجه دارد. اینان نیاز به بازنمایی مسائل جامعه و هم‌مشارکت افراد، اقلیت‌ها و گروه‌های اجتماعی در اصلاح جامعه تأکید می‌کنند و خواستار درگیر شدن فعالانه شاگردان در تربیت مدنی و شهروندی است (احمدپور، ۱۳۹۰). دسته پنجم به تربیت شهروندی در صحنه گسترده‌تر مشارکت اجتماعی و نقش مشارکت‌های سیاسی در رشد شهروندان تأکید دارند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۲: ۳۲۱). وظیفه آموزش و پرورش افراد جامعه به عنوان عامل پایه‌ای و بنیادی بر عهده نظام تعلیم و تربیت رسمی یک کشور است. این امر از اهمیت اساسی برخوردار است به نحوی که روسو با نظر به اهمیت عملکردهای آموزش و پرورش بیان می‌دارد که نهاد تعلیم و تربیت کشتی نجات‌دهنده بشر اجتماعی است (کوی،^۴ ۱۳۷۸: ۱۳). کانت آن را ابزاری برای انسان نمودن انسان و صاحب‌نظران دیگر آن را عامل معنابخش زندگی همه افراد جامعه می‌دانند (صباغیان، ۱۳۷۵: ۳۰). بر این اساس تأثیر بسزایی که آموزش و پرورش یک جامعه در جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان دارد، آماده‌سازی نسل جدید برای ایفای نقش شهروندی در جامعه محلی، ملی و جهانی نیز امری است که از این نهاد آموزشی انتظار می‌رود؛ زیرا ایفای نقش شهروندی مستلزم دانایی، آگاهی مهارت لازم برای حل مسالمت‌آمیز مشکلات و چالش‌هایی است که فرد در زندگی اجتماعی خود با آن

-
1. fredrick noman
 2. ser fean
 3. Jorgw martin
 4. Coy

برخورد خواهد کرد و از مهم‌ترین بسترهای کسب چنین شایستگی‌هایی، آموزش و پرورش هر جامعه است. کسب آموزش و پرورش یک وظیفه و تکلیف است؛ زیرا آموزش و پرورش ابزاری برای فهم حقوق و همچنین تکالیف شهروندی و اجرای این تکالیف و وظایف به نحو احسن است (شارع پور، ۱۳۸۶: ۳۱۶). مدرسه دارای دو نوع برنامه‌ی درسی است که نخست شامل کتاب‌ها همچون تعلیمات مدنی، اجتماعی، تاریخ و ارتباط در سطوح مختلف تحصیلی اشاره دارد. از این میان دروس تعلیمات مدنی و اجتماعی منبع مهم آموزش شهروندی به شمار می‌رود زیرا این دروس پایه‌ی شناخت دانش‌آموزان را از نهادها و فرایندهای سیاسی مثل قانون اساسی، قوای سه‌گانه و نظایر آن و مفاهیم شهروندی مثل قانون‌گرایی، آزادی، همکاری و مشارکت و برابری فطرت‌ها و غیره را افزایش می‌دهد و فرد را به امور سیاسی و اجتماعی علاقه‌مند می‌کند و آگاهی او را از حق و تکالیف خود و دیگر افراد افزایش می‌دهد. دوم برنامه‌ی درسی پنهان که شامل روابط بین شاگردان و معلمان، روش‌های تدریس، محیط فیزیکی و فرهنگی مدرسه، نقش دانش‌آموزان در اداره‌ی کلاس درس و مدرسه است. آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ایفای نقش شهروندی از چنین می‌گذرد بیشتر ناظر بر بعد عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان است. اموری از قبیل احترام به دیگران، اعتقاد به برابری، اطاعت از قانون، اعتقاد به آزادی افراد، رعایت حقوق دیگران، تمایل به مشارکت در مسائل، استفاده از تفکر منطقی در حل مسائل، برخورداری از تحمل و سعه‌ی صدر و پیگیری اخبار و اطلاعات از منابع مختلف اموری است که در روابط بین معلم و شاگرد و سایر کارکنان و روابط دانش‌آموزان نهادینه می‌شود (طاهر پور، ۱۳۸۷: ۶۱). میشل سدلر یکی از نظریه‌پردازان صاحب‌نام آموزش و پرورش تطبیقی، بر این باور است که نظام آموزشی شهروندی یکی، در هر کشوری متأثر از مجموعه عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فنی و اقتصادی است که هر یک از آنها به نوبه‌ی خود، در شکل دادن آموزش‌های شهروندی، نقش حیاتی ایفا می‌کنند. سدلر به این نکته اشاره می‌کند که نمی‌توان تربیت شهروندان یک جامعه را به طور انتزاعی و دور از حوزه‌ی نفوذ فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفت و مجموعه‌ی منسجمی از عقاید و آرای تربیتی قالب در آن جامعه را به محک بررسی زد. اهداف، روش و محتوای آموزش‌های شهروندی در هر جامعه، با نهادهای

آن، از جمله سیاست، اقتصاد، مذهب و بخصوص با بنیادهای فکری و اندیشه‌های تربیتی متعلق به آن جامعه، رابطه‌ای تنگاتنگ دارد که او آن را یک «رابطه دیالکتیکی» می‌نامد (شرفی و طاهرپور، ۱۳۸۷).

جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری این پژوهش ۱۱۲۱ نفر از دبیران زن و مرد شاغل در آموزش و پرورش ناحیه ۳ شهر تبریز بود. نمونه آماری پژوهش با استفاده از فرمول کوکران ۲۸۶ نفر برآورد شد. با توجه به اینکه دبیران شاغل در چندین مدارس در حال تدریس بودند، انتخاب نمونه آماری بر اساس مدارس میسر نشد بنابراین ابتدا لیست تمامی دبیران شاغل در ناحیه از اداره اخذ و بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای و بر اساس جنسیت تعداد دبیران زن و مرد مشخص و سپس براساس روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک و با استفاده از اعداد تصادفی ۱۴۳ نفر دبیر زن و ۱۴۳ نفر دبیر مرد انتخاب شدند.

توصیف آماری داده‌ها:

از ۲۸۶ فرد مورد بررسی ۱۴۲ نفر (۴۹/۶۵ درصد) مرد و ۱۴۴ نفر (۵۰/۳۵ درصد) زن بوده‌اند. ۳ نفر (۱/۰۴ درصد) دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۹ نفر (۳/۱۵ درصد) دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم، ۱۸۳ نفر (۶۳/۹۸ درصد) دارای مدرک تحصیلی لیسانس و ۹۱ نفر (۲۵/۷ درصد) دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند. از مجموع پاسخگویان ۳۹ نفر (۱۳/۶ درصد) دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا و ۱۸۲ نفر (۶۳/۶ درصد) دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط و ۶۵ نفر (۲۲/۷ درصد) دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی پایینند و بیشترین درصد پاسخگویان متعلق به پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسطند. میانگین آموزش شهروندی دبیران زن ۴۳/۵ است و کمترین نمره ۳۲ و بیشترین نمره ۵۰ است. میانگین کل آموزش شهروندی دبیران مرد به آموزش شهروندی ۴۳/۴۴ است و کمترین نمره در بین گروه دبیران مرد ۳۳ و بیشترین نمره در میان گروه دبیران مرد ۵۰ است. میانگین اعتماد اجتماعی پاسخگویان ۴۳/۴۴ است. ۲۵۴

نفر (۸۸/۸ درصد) از دبیران دارای اعتماد اجتماعی بالا، ۲۳ نفر (۸ درصد) از دبیران دارای اعتماد اجتماعی متوسط و ۹ نفر (۳/۱ درصد) از دبیران از اعتماد اجتماعی پایینی برخوردارند. میانگین دینداری پاسخگویان ۷۴/۰ است. کمترین ۵۰ و بیشترین ۸۴ بود. ۲۵۱ نفر (۸۷/۸ درصد) از دبیران دارای میزان دینداری بالا، ۳۵ نفر (۱۲/۲ درصد) از دبیران دارای میزان دینداری متوسطند.

آزمون نرمال بودن داده‌ها

برای بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. از آنجا که مقدار سطح معناداری آزمون برای تمام متغیرها از میزان خطای قابل پذیرش ($\alpha=0/05$) بیشتر بود، بنابراین متغیرهای پژوهش نرمال بودند.

تحلیل رابطه بین متغیرها از طریق آزمون فرضیه‌ها:

۱- آموزش شهروندی دبیران آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز بر حسب جنسیت متفاوت است.

با توجه به اطلاعات به دست آمده از آزمون تی مستقل، آموزش شهروندی دبیران بر حسب جنسیت متفاوت نیست.

جدول ۱. نتایج آزمون آماری تی دو نمونه مستقل

	آزمون لوین		آزمون تی دو نمونه مستقل						
	F	Sig.	T	df	Sig	اختلاف میانگین	واریانس خطای	فاصله اطمینان اختلافات	
								پایین تر	بالا تر
نگرش دبیران زن و مرد	.006	.937	-.049	18	.962	-.060	1.22	-2.64	2.52
			-.049	17.951	.962	-.060	1.22	-2.64	2.52

۲- آموزش شهروندی بر حسب نوع پایگاه اقتصادی، اجتماعی دبیران آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز متفاوت است. با توجه به مقدار SIG که برابر ۰/۰۰۱، و کوچکتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض محقق پذیرفته می‌شود، بین پایگاه اجتماعی، اقتصادی و میزان آموزش شهروندی دبیران تفاوت وجود دارد.

جدول ۲. آزمون آماری تحلیل واریانس

نگرش - پایگاه					
	Sum of Squares	درجه آزادی	Mean Square	F	Sig.
بین گروه ها	57174.672	2	34597.336	3.411E3	.001
در داخل گروه	2224.000	331	9.468		
جمع	60438.672	333			

با توجه به اینکه بین آموزش شهروندی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی تفاوت وجود دارد، آزمون تعقیبی شفه برای مشخص کردن میزان تأثیر پایگاه اجتماعی اقتصادی بر آموزش شهروندی انجام گرفت. همانطور که در جدول مشخص است، بین پایگاه‌های مختلف و آموزش شهروندی تفاوت وجود دارد و تفاوت بین انواع پایگاه اجتماعی اقتصادی برای تمامی گروه‌ها در سطح ۰/۰۵ معنادار است. گروهی که بیشترین نمره پایگاه اجتماعی و اقتصادی را دارند (پایگاه بالا)، نسبت به دو پایگاه دیگر نمره بیشتری در آموزش شهروندی کسب کرده‌اند.

جدول ۳. آزمون تعقیبی شفه

پایگاه	پایگاه	اختلاف میانگین	Std. Error	معناداری.	فاصله اطمینان اختلافات /۹۵٪	
					پایین‌تر	بالا‌تر
بالا	متوسط	1.85*	.406	.000	1.85	3.85
	پایین	3.33*	.42517	.000	3.28	5.37
متوسط	بالا	-1.85*	.406	.000	-3.85	-1.85
	پایین	.48015*	.46	.006	.3470	2.61
پایین	بالا	-3.33275*	.42	.000	-5.37	-3.28
	متوسط	-.48015*	.46	.006	-2.61	-.347

۳ - آموزش شهروندی بر حسب رشته تحصیلی دبیران آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز متفاوت است.

با توجه به مقدار SIG. که برابر ۰/۰۰۰ و کوچکتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض محقق پذیرفته می‌شود؛ بین رشته تحصیلی و میزان آموزش شهروندی دبیران زن و مرد تفاوت وجود دارد.

جدول ۴. آزمون آماری تحلیل واریانس

نگرش دبیران - رشته	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
بین گروه ها	3280.750	6	469.250	768.54 2	.000
داخل گروهی	15.750	25	.617		
جمع	3465.500	31			

با توجه به متفاوت بودن نگرش به آموزش شهروندی بر حسب رشته تحصیلی آزمون تعقیبی شفه برای رشته تحصیلی انجام شد. رشته روانشناسی دارای بیشترین نمره نگرش به آموزش شهروندی و رشته معارف اسلامی دارای کمترین نمره نگرش به آموزش شهروندی است.

جدول ۵. آزمون شفه

رشته	تعداد	میانگین نمرات نگرش به آموزش شهروندی							
		1	2	3	4	5	6	7	8
معارف	21	33.0000							
عربی	15	35.0000	35.0000						
جامعه شناسی	19	36.1538	36.1538	36.1538					
ریاضی	24		38.2273	38.2273	38.2273				
زیست	20			39.4118	39.4118	39.4118			
تربیتی	20			39.9474	39.9474	39.9474	39.9474		
اقتصاد	15				40.1000	40.1000	40.1000		
شیمی	24				41.3529	41.3529	41.3529	41.3529	
ادبیات	30				41.5000	41.5000	41.5000	41.5000	
مدیریت	26					42.4815	42.4815	42.4815	42.4815
زبان	27						43.6250	43.6250	43.6250
فیزیک	22							45.1053	45.1053
روانشناسی	17								45.6667
معناداری.		.0764	.273	.072	.250	.0682	.099	.081	.295

۴- بین آموزش شهروندی و میزان اعتماد اجتماعی دبیران آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز رابطه وجود دارد.

نتایج آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه‌ای بین آموزش شهروندی و اعتماد اجتماعی نشان داد که بین آموزش شهروندی و اعتماد اجتماعی دبیران رابطه وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۷۳۶ است.

جدول ۶. آزمون پیرسون

ضریب همبستگی پیرسون			
	نگرش - اعتماد	نگرش	اعتماد اجتماعی
نگرش به آموزش شهروندی	ضریب همبستگی پیرسون	1	.736*
	سطح معنی داری		.037
	تعداد	286	286
اعتماد اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	.736*	1
	سطح معنی داری	.037	
	تعداد	286	286

۵- بین آموزش شهروندی و میزان دینداری دبیران آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز رابطه وجود دارد.

نتایج آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه‌ای بین آموزش شهروندی و دینداری نشان می‌دهد که بین آموزش شهروندی و دینداری رابطه وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۷۵۵ است.

جدول ۷. ضریب همبستگی پیرسون

ضریب همبستگی پیرسون			
	نگرش - دینداری	نگرش	دینداری
نگرش	ضریب همبستگی پیرسون	1	.755*
	سطح معنی داری		.030
	تعداد	286	286
دینداری	ضریب همبستگی پیرسون	.755*	1
	سطح معنی داری	.030	
	تعداد	286	286

نتیجه‌گیری و بحث:

این پژوهش با هدف بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با آموزش شهروندی دبیران آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز به انجام رسید. جامعه آماری، دبیران زن و مرد شاغل در آموزش و پرورش ناحیه سه تبریز، نمونه آماری ۲۸۶ نفر از دبیران زن و مرد ناحیه سه آموزش و پرورش تبریز و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که میزان آموزش شهروندی دبیران زن و مرد تفاوت معناداری با هم ندارد. بین آموزش شهروندی و متغیرهای اعتماد اجتماعی و دینداری، رابطه معناداری وجود داشت اما آموزش شهروندی دبیران بر اساس رشته تحصیلی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی تفاوت معناداری با هم داشتند. دبیران متعلق به پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالانسبت به دبیران متعلق به پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسط و پایین، نمره بیشتری در آموزش شهروندی کسب کرده بودند. در بین رشته‌های تحصیلی دبیران، دبیران رشته روانشناسی دارای بیشترین نمره آموزش شهروندی و دبیران رشته معارف اسلامی دارای کمترین نمره آموزش شهروندی بودند. آموزش شهروندی، مهمترین عامل مؤثر در دگرگونی طرز نگرش و رفتار بشری است که در مسیر توسعه انسانی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، تأمین فرصت‌های شغلی و افزایش تولید جامعه به کار گرفته می‌شود؛ از این رو در جوامع، منزلتی یگانه یافته است. آموزش شهروندی می‌تواند سهم بسزایی در مشارکت مردم در پیشرفت خود و در نظارت نسبت به تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داشته باشد. آموزش شهروندی، مهمترین عامل مؤثر در دگرگونی طرز نگرش و رفتار بشری است. میشل سدلر^۱ یکی از نظریه‌پردازان صاحب‌نام آموزش و پرورش تطبیقی، بر این باور است که نظام آموزشی شهروندی یکی، در هر کشوری متأثر از مجموعه عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فنی و اقتصادی است که هر یک از آنها به نوبه خود، در شکل دادن آموزش‌های شهروندی، نقش حیاتی ایفا می‌کنند. سدلر به این نکته اشاره می‌کند که نمی‌توان تربیت شهروندان یک جامعه را به طور انتزاعی و دور از حوزه نفوذ فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفت و مجموعه منسجمی از عقاید و

آرای تربیتی قالب در آن جامعه را به محک بررسی زد. اهداف، روش و محتوای آموزش های شهروندی در هر جامعه، با نهادهای آن، از جمله سیاست، اقتصاد، مذهب و به خصوص با بنیادهای فکری و اندیشه‌های تربیتی متعلق به آن جامعه، رابطه‌ای تنگاتنگ دارد که او آن را یک «رابطه دیالکتیکی» می‌نامد (شرفی و طاهرپور، ۱۳۸۷). آموزش حقوق شهروندی از وظایف نظام آموزشی، مدرسه و معلمان است. مهمترین هدف مدرسه و معلمان تربیت شهروند خوب برای جامعه است. در مدارس، آموزش حقوق شهروندی باید در تمام مراحل برنامه درسی ملحوظ شود. اطلاع از دیدگاه دبیران نسبت به آموزش شهروندی، در برنامه‌ریزی آموزشی و آموزش حقوق شهروندی بسیار مؤثر است.

1- Michael sadler

پیشنهادها:

- با در نظر گرفتن این که یکی از کارکردهای اصلی هر نظام آموزشی، اجتماعی کردن افراد جامعه و آموزش شهروندی است و این امر نیز بیشتر از طریق برنامه‌های آموزشی و درسی صورت می‌گیرد؛ بنابراین باید به نقش دبیران در این مورد اهمیت داد.

- روش‌های آموزشی، بستر مناسبی برای آموزش شهروندی است؛ بنابراین ضرورت دارد، از طریق برنامه‌های آموزشی و درسی این امر مهم پیگیری گردد.

منابع:

آقازاده. احمد، (۱۳۸۵)، آموزش و پرورش تطبیقی، تهران: انتشارات سمت

حاضری، علی محمد و خلیلی، علی. (۱۳۹۳). بررسی آموزش شهروندی در برنامه درسی آشکار نهاد آموزش رسمی ایران فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۴، صص ۱۳۱-۱۴۹

ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۱). آموزش شهروندی، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۱۹.

رزاقی، مریم، مطهری نژاد، حسین؛ لسانی مهدی. (۱۳۹۷). نقش اثربخشی مدرسه در توسعه شایستگی‌های شهروندی دانش‌آموزان از دیدگاه معلمان. (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره پنجم بهار و تابستان ۱۳۹۷، شماره ۱۱، ۲۶۱-۷

سیف نراقی، مریم؛ نادری، عزت الله؛ شریعتمداری، علی، حسینی مهر علی. (۱۳۸۸). بررسی مقایسه‌ای دیدگاه کارشناسان و معلمان شهر قزوین به لحاظ نارسایی‌های آموزش و تربیت شهروندی در برنامه‌ی درسی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال دوم پاییز ۱۳۸۸، شماره ۵

شارع پور، محمود. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات سمت
شرفی، م؛ طاهرپور، م. (۱۳۸۷). نقش نهاد آموزشی در تربیت شهروندی، ماهنامه‌ی مهندسی فرهنگی، شماره‌های ۱۵ و ۱۶، صص ۶۲-۴۹.

غیاثوند، احمد. (۱۳۹۴). آموزش شهروندی در مدارس شهر تهران آثار و پیامدها، فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۲۰۷-۲۳۹.

فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۵). تربیت شهروندی، نشر: فاخر
فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۲). لحاظ کردن ارزشهای شهروندی در برنامه‌ی درسی، مجله‌ی نوآوریهای آموزشی، شماره‌های ۱۷، صص ۵۴-۶۹.

لطف آبادی، حسین، (۱۳۸۶)، آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان، فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۱-۴۳.
مهدوی، محمد صادق؛ عاشوری، علی. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر ارتقاء فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهر بوشهر)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره چهارم.

هاشمی، احمد. (۱۳۸۹). بررسی میزان استفاده از مفاهیم تربیت شهروندی در محتوای کتابهای تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی از دیدگاه دبیران، فصلنامه‌ی رهبری و مدیریت آموزشی، سال چهارم، شماره ۱، صص ۱۴۱-۱۶۰.

- Davis, I., Flanagan, B., Hogarth, S., Mountford, P. and Philpott, J. (2009) Asking Questions About Participation, *Education, Citizenship and Social Justice*, 4 (1) pp: 25- 39
Tavassoli Gh, Nejati Hosseini M. (2002), Social reality of citizenship in Iran. *Iranian journal of sociology*; 4(2)p: 32-62.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی